



Volume 2, Issue 4, 2022

## Explaining the Situation of Park Ranger as Special Bailiffs of Justice

Mohammad Saleh Moayyedi<sup>1</sup>, Akbar Varvaei\*<sup>2</sup>, Masoud Ghasemi<sup>3</sup>

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 113-124**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-9354-3722

**TELL:** +989185162788

**Email:** dr.akbarvarvaei@yahoo.com

**Article history:**

**Received:** 04 Oct 2022

**Revised:** 27 Oct 2022

**Accepted:** 04 Nov 2022

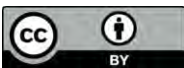
**Published online:** 22 Dec 2022

**Keywords:**

*Environmental Guards, Special Officer, Weapon.*

### ABSTRACT

Being an environmental guard is the principle that, in addition to the law, should be invoked in the implementation, and depending on the conditions defined for it, he allowed actions such as carrying and using weapons to this group of community jobs. The purpose of the current research is to examine the status of environmental guards as special law enforcement officers. This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles. As a result, the environmentalists working in environmental protection are given permission to carry weapons based on the type of mission. According to Article 15 of the Environmental Protection and Improvement Law, environmental guards are considered to be bailiffs if they have been trained in the duties of law enforcement officers in a special class under the supervision of the prosecutor.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Moayyedi, MS; Varvaei, A & Ghasemi, M (2022). " Explaining the Situation of Park Ranger as Special Bailiffs of Justice" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 113-124.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

## تبیین وضعیت محیط‌بانان به‌عنوان ضابطین خاص دادگستری

محمد صالح مؤیدی<sup>۱</sup>، اکبر وروایی<sup>۲\*</sup>، مسعود قاسمی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

### چکیده

ضابط بودن محیط‌بانان اصلی است که علاوه بر قانون، باید در اجرا نیز به آن استناد شود و بسته به شرایطی که برای آن تعریف شده است، اجازه اعمالی مانند حمل و به‌کارگیری سلاح را به این دسته از مشاغل بدهد. هدف این پژوهش بررسی وضعیت محیط‌بانان به‌عنوان ضابط خاص دادگستری است. این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به‌صورت توصیفی تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است. محیط‌بانان شاغل در سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌ها و منابع طبیعی، بسته به نوع مأموریت مجوز حمل سلاح به آن‌ها داده می‌شود. محیط‌بانان طبق ماده ۱۵ قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست، در صورتی که در یک کلاس ویژه زیر نظر دادستان در زمینه وظایف قضایی ضابطین آموزش دیده باشند، ضابط محسوب می‌شوند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۳-۱۲۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۷۲۲-۹۳۵۴-۱-۹۳۵۴-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۵۱۶۲۷۸۸

ایمیل: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

محیط‌بانان، ضابط خاص، سلاح.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

متخلفان بر اساس آیین‌نامه‌های ابلاغی؛ ۵- بررسی مجوزهای مربوط به چرای دام در این مناطق طبق مقرراتی که صادر شده است؛ ۶- جلوگیری از تخریب و بهره‌برداری از منابع طبیعی در مناطقی که تحت اختیار سازمان طبق مقررات ابلاغی است؛ ۷- صدور پروانه شکار و صیادی در منطقه حفاظت‌شده در موارد خاص حسب اختیارات مسؤولین؛ ۸- بازدید و مدیریت اسناد و مجوزهای شکار و صیادی؛ ۹- جلوگیری از شکار و صید غیرمجاز، تنظیم گزارش تخلف و نشان دادن متخلفان به مراجع ذیصلاح؛ ۱۰- تهیه آمار وحوش و شناسایی شکارچیان و گزارش به مافوق؛ ۱۱- مراقبت و نگهداری از اموال دولتی تحت اختیار؛ ۱۲- تهیه و تنظیم گزارش کارهای انجام‌شده و ارائه به مافوق.

اما نکته قابل کامل در اینجا این است که محیط‌زیست و حقوق آن اولویت اول برای اغلب کشورهای جهان حتی کشورهای صنعتی و پیشرفته نیست. بنابراین، با شرایطی که برای محیط زندگی بشر پیش‌بینی شده است، سایر کشورهای جهان نمی‌توانند محیط‌زیست را یک مقوله محلی خاص برای خود بدانند؛ به همین دلیل محیط‌زیست به یک مقوله جهانی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهایی است که در قانون اساسی خود به‌طور مستقیم برای موضوع محیط‌زیست یک اصل مستقل در نظر گرفته است. به‌موجب اصل ۵۰ قانون اساسی به‌طور جدی حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی دانسته است. در راستای اجرای این اصل، سازمان حفاظت از محیط‌زیست در ایران تأسیس شده است. علاوه بر این، در کنار سازمان مزبور، یگان حفاظت محیط‌زیست نیز تأسیس شده است که هدف از تشکیل آن، پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست است. این یگان یکی از زیرمجموعه‌های پلیس پیشگیری است که البته بودجه آن از سوی سازمان محیط‌زیست تأمین می‌شود. محیط‌بانان کسانی هستند که در خدمت این یگان قرار گرفته‌اند اما از نظر قوانین استخدامی، کارمند دولتی محسوب می‌شوند. پرسش اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن است این است که، آیا محیط‌بانان را می‌توان جزئی از مصادیق ضابطین خاص قضایی قلمداد نمود؟ فرضیه‌ای که در راستای این پرسش مطرح می‌شود این است که با در نظر گرفتن شرایط

نگاهی اجمالی به وضعیت محیط‌زیست جهانی این واقعیت را نشان می‌دهد که در چند سال اخیر بر اثر فعالیت‌های انسانی، کره زمین آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. عدم توجه به توانمندی‌های پایدار محیط‌زیست، بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی و بهره‌برداری بی‌رویه انسان از محیط‌زیست، شرایطی را ایجاد کرده است که جوامع با مشکلات زیست‌محیطی فراوانی مواجه شوند. اثرات مثبتی مانند افزایش حساسیت کشورها و تصویب صدها قانون و مقررات در سطح داخلی و بین‌المللی حاصل حمایت و توجه به مسائل زیست‌محیطی دولت‌ها بوده است که حتی در بعضی از کشورها سبب تغییر روند به سمت تخریب و آسیب کمتر به محیط‌زیست شده است. اما به‌طور کلی همچنان مشکلات محیط‌زیست جهانی با آینده بشر پیوند خورده است. به همین علت نقش سازمان‌های جهانی در حفاظت از محیط‌زیست و تقویت کنوانسیون‌های بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای مهم می‌شود. بنابراین حضور افراد حرفه‌ای مانند محیط‌بان ضروری تلقی می‌شود.

محیط‌بانان افرادی هستند که از عرصه‌های طبیعی و حیات وحش کشور حفاظت و مدیریت می‌کنند. وظایف مختلفی برای محیط‌بانان بر اساس مسؤلیت آن‌ها تعریف شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. مطابق بند ۹ ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست شرح وظایف محیط‌بان عبارت است از: ۱- بازدید و شناسایی کامل محدوده حفاظتی در حوزه منابع زیست‌محیطی با توجه به وظایف محوله و گزارش به مافوق؛ ۲- بازدید و شناسایی همه رویدادهای منطقه حفاظت‌شده که سبب تغییر، تخریب و آلودگی محیط‌زیست می‌شود، مانند آتش‌سوزی، سیل، زلزله، بیماری و مرگ حیوانات وحشی، بروز آفات گیاهی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، منبع آلودگی و فعالیت‌های عمران و ساختمان، چرای بی‌رویه در مزارع، قطع و نابودی درختان، و غیره و گزارش مناسب به مسؤولین مافوق؛ ۳- اجرای قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست، شکار و صید بر اساس مقررات صادره از سوی مراجع مافوق؛ ۴- اقدام در خصوص کشف جرایم و دستگیری

مقنن بار دیگر در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دست به تعریف ضابط زده است. در این ماده ضابطان دادگستری، مأمورانی تعریف شده‌اند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان و به‌موجب تکلیف قانون، به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، اقدام می‌کنند. این تعریف با توجه به تغییرات به وقوع پیوسته در آن، نسبت به تعاریف قبلی، علمی‌تر و کامل‌تر است.

ضابطین از نخستین کسانی هستند که با جرایم ارتكابی برخورد می‌کنند، پس لازم است اعمالی در راستای کشف جرم، حفظ آثار و علائم آن، شناسایی و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم انجام دهند. مطابق مواد ۱۵ تا ۱۷ قانون مصوب ۱۳۷۸، فعالیت ضابطین دادگستری زیر نظر مقام قضایی یا رئیس حوزه قضایی بود اما در قانون جدید، مقام ناظر بر فعالیت ضابطان دادگستری، دادستان است که علاوه بر نظارت، مطابق تبصره یک ماده ۳۰ این قانون، وظیفه تعلیم را نیز بر عهده دارد. او موظف است دوره‌های آموزشی لازم را برای کسب مهارت‌های موردنیاز و انجام وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار کند. بنابراین در جهت ایجاد سیستم یکپارچه و هماهنگ مدیریتی و قضایی در مراحل مختلف رسیدگی در جبهه ضابطان، بر اساس قانون جدید، سایر مقامات قضایی، در امور ارجاعی به ضابطان دادگستری حق ریاست نداشته و تنها می‌توانند نظارت کنند (مصطفایی و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳-۱۲).

## ۲- انواع ضابطین

تا سال ۱۳۹۲، ضابطین در قانون ایران تفکیک نشده بودند و قانون‌گذار تنها به معرفی و بیان افرادی به‌عنوان ضابط در قوانین عام و خاص پرداخته بود. ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطین را به دو دسته عام و خاص تقسیم نمود اما تعریفی برای آن‌ها ارائه نداد. همچنین لازم به ذکر است که هرچند در دنیای حقوق ضابطین به‌طور کلی به ضابطین عام و ضابطین خاص تقسیم شده‌اند اما در اسناد بین‌المللی موجود از ضابطین تخصصی هم نام برده می‌شود

مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری، این امکان وجود دارد که محیط‌بانان را در زمره ضابطان خاص قلمداد کنیم.

## ۱- مفهوم و انواع ضابطین

ضابط از ضبط گرفته شده و واژه‌ای عربی است. در منابع به معانی نگارنده، حفظ‌کننده، محصل مالیات، والی، حاکم، آن‌که شهری را از جانب سلطان اداره کند، نیرومند، قوی و ممیز و مفتش حساب برای این لغت اشاره شده است (معین/اذیل کلمه).

ضابطین عدلیه در معنای اصطلاحی حقوقی، پلیس قضایی، مأموران تفتیش و کشف جرایم و اقدامات مربوط به جلوگیری متهم از فرار و اختفاء هستند و عبارت از دادستان شهرستان و دادیاران، بازپرس، مأموران و صاحب‌منصبان شهرداری می‌باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۴۵۳).

این کلمه در قانون محاکمات جزایی برای اولین بار به‌کاربرده شد. دکتر آشوری ضابطان دادگستری را مأمورانی تعریف کرده است که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی و طبق ضوابط قانونی، اقداماتی در راستای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم، جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و همچنین حفظ آثار و دلایل جرم، انجام می‌دهند (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۰ در تعریف ضابطان عدلیه، به مأمورینی اشاره کرده بود که تکلیف دارند به تفتیش و کشف جرایم بپردازند یا طبق مقررات قانون، اقداماتی برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتکب یا متهم انجام دهند. با اصلاحات ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۸، قانون‌گذار در تعریف ضابطان دادگستری این‌گونه بیان داشت که آن‌ها مأمورینی هستند که با نظارت و تعلیمات مقام قضایی، در موارد زیر به‌موجب قانون اقداماتی انجام دهند: کشف جرم و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، همچنین ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی.

که نسبت به افراد خاصی ضابط محسوب می‌شوند ( Cheng, 2017).

## ۱-۲- ضابطین عام

ماده ۲۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، به تعریف و نام بردن از ضابطین دادگستری عام پرداخته است. در تعریف مذکور، ضابطین عام، صلاحیت عام دخالت در هر جرمی را دارا بوده و در وظایف و اختیارات آنان محدودیتی نسبت به جرایمی معین یا شرایط خاص دیده نمی‌شود و شامل این افراد هستند: فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند (خالقی، ۱۳۸۹: ۴۸). در ماده ۲۹ همین قانون ضابطه‌ای برای شناسایی ضابطین عام معرفی شده است، یعنی گذراندن دوره‌های آموزشی. از طرفی دیگر با توجه به ظاهر ماده ۲۹ در بیان ضابطین عام و عدم استفاده از عبارات از قبیل و مانند، به نظر می‌رسد افراد نام برده شده حصری هستند. آنچه در این نقطه مطرح می‌شود این است که منظور قانون‌گذار چه بوده است، فرماندهان، افسران و درجه‌داران تنها ضابطین عام هستند یا در متن ماده ایراد نگارشی وجود دارد و باید به ضابطه تشخیص ضابطین عام دقت نمود؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار نخست به ارائه ضابطه پرداخته و بعد برای مصداق افرادی را نام برده است اما اشکالاتی در ظاهر ماده موجود است. قانون‌گذار باید شکل حصر موجود در ماده را کنار زده و تأکید را بر ضابطه گذراندن دوره آموزشی قرار می‌داد. بدین ترتیب کارکنانی هم که این دوره را گذرانده باشند، به روشنی ضابط تلقی می‌شدند (مصطفایی و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴). برخی نویسندگان، سربازان وظیفه که در پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی مشغول خدمت هستند را ضابط قوه قضائیه نمی‌داند (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۳۸). در مقابل عده‌ای کلیه نیروهای شاغل در نیروی انتظامی را ضابط دادگستری دانسته و وظایفی که از طرف مراجع قضایی به فرماندهان یا معاونین پاسگاه محول می‌گردند را قابل ارجاع به رده‌های پایین‌تر معرفی می‌کنند (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

موجود تنها تعدادی از افراد رده‌بالای کادر نیروی انتظامی، ضابط تلقی می‌شوند. اما به وجود آمدن این تغییر بی‌دلیل و نارسا به نظر می‌رسد و افراط و تفریط موجود در دو قانون به نظر اشتباه است. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که ضابط شیوه برخورد اولیه با جرم را بیاموزد، بنابراین مسأله گذراندن دوره آموزشی منطقی به نظر می‌رسد و سرباز وظیفه بودن یا نبودن آن کارکنان فاقد اهمیت است، ایرادی که به قانون قبلی وارد می‌شد. باین‌حال در تبصره ماده موجود، کارکنان وظیفه ضابط تلقی نشدند و تفکیکی در این زمینه به وقوع نپیوست (هادی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۷۲).

از آنجا که ضابطین، نخستین کسانی هستند که با صحنه جرم برخورد می‌کنند گذاشتن شرط گذراندن دوره‌های آموزشی مربوط توسط تمامی ضابطین، اقدامی درست و مناسب است؛ چراکه هرگونه قصور و اشتباه در این مرحله، می‌تواند آسیب‌هایی برگشت‌ناپذیر به مراحل بعدی وارد کند. البته گذراندن دوره آموزشی کافی نیست، این آموزش باید با موفقیت به پایان برسد و کارت مربوطه دریافت شود. فردی که دوره را با موفقیت به پایان نرسانده نباید ضابط تلقی شود (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۷۸-۱۸۰).

ضابطین موجود در نیروی پلیس، به دو دسته تقسیم می‌شوند. نخست پلیس اداری که وظایف آن بیشتر جنبه خدماتی دارد، مانند صدور گذرنامه، گواهینامه رانندگی، پروانه اماکن عمومی و از این دست امور. دسته دوم پلیس قضایی است که عنوان متعلق به برخی از کارکنان فراجا است که به‌عنوان ضابط دادگستری هستند (مه‌بادی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). به تقسیم‌بندی مذکور در قانون جدید اشاره‌ای نشده است. درحالی‌که لزومی ندارد یک پلیس اداری را با گذراندن دوره آموزشی، ضابط بدانیم. به نظر می‌رسد وضعیت مقنن در این نقطه سکوت است و نیروی انتظامی خود باید گزینش نموده و افراد خاصی از پلیس قضایی را به‌عنوان ضابط معرفی کند (مصطفایی و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۵).

## ۲-۲- ضابطین خاص

ضابطین خاص، صلاحیت دخالت محدود به جرایم خاص یا شرایطی معین دارند؛ در غیر آن جرایم یا بدون تحقق آن

در قانون سابق تمام کارکنان نیروی انتظامی حتی بدون گذراندن دوره آموزشی، ضابط نامیده می‌شدند اما در قانون

شرایط، ضابط خاص حق مداخله و اقدام را ندارد (خالقی، ۱۳۸۹: ۴۹).

قانون‌گذار در بند ب ماده ۲۹ قانون آ.د.ک موجود، در تعریف ضابطان، به مقامات و مأمورانی اشاره می‌کند که به‌موجب قوانین خاص و در حدود و وظایف محول شده ضابط دادگستری هستند و مثال‌های برای آن می‌زند: رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نیروهای مسلح در مواردی که به‌موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شده باشد. تفاوت موجود میان ماده ۱۵ قانون مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۲۹ قانون جدید، نام بردن از مأموران زندان نسبت به امور زندانیان است. در قانون قبلی تنها به رؤسا و معاونان زندان اشاره شده بود. تغییری که به نظر درست و مناسب است و شاید انجام آن به علت مشکلاتی بود که در عمل وجود داشت. در محیط زندان و مکان‌های تابع یعنی کارگاه‌ها و مزرعه‌ها، این مأموران هستند که از نزدیک با زندانیان در تماس بوده و شاهد جرایم به وقوع پیوسته در میان آنان هستند، نه رئیس و معاون زندان که در دفاتر خود هستند (Anaraki, 2020: 108).

ضابط خاص دیگر اشاره‌شده در قانون جدید، مأموران وزارت اطلاعات هستند. البته اگر این اشاره وجود نداشت نیز مطابق بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مصوب ۱۳۸۳، مأموران وزارت اطلاعات به‌طور محدود و در امور خاص ضابط تلقی شده بودند. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، گذراندن دوره‌های آموزشی و دریافت کارت برای ضابط تلقی شدن مأموران وزارت اطلاعات الزامی است. پس این وظیفه وزارت اطلاعات است که دوره‌های آموزشی لازم را برگزار کرده و کارت مذکور را برای مأموران خود صادر کند. دسته دیگری از ضابطان خاص مذکور در قانون، مأموران نیروی مقاومت بسیج هستند و بسیجیانی که کارت ضابطه داشته باشند، ضابطه محسوب می‌شوند. در گذشته داشتن کارت بسیج برای ضابط بودن، کفایت می‌کرد اما مطابق قانون جدید نیروهای بسیج باید دوره‌های آموزشی

لازم را طی کرده و کارت ضابط را دریافت نمایند. البته این تنها شرط موجود برای آنان نیست، این افراد در صورتی ضابط محسوب می‌شوند که نخست جرم مشهود باشد و دیگر آنکه ضابطین دیگر در صحنه جرم حضور نداشته باشند و یا اگر هستند از آن‌ها کمک بخواهند. در سایر مواردی که قوانین خاص افرادی را ضابط خاص معرفی می‌کنند، این معرفی در حدود وظایف محوله رخ می‌دهد و افراد مذکور در حدود وظایفی که دارند ضابط محسوب می‌شوند؛ از قبیل جنگلبانی و شکاربانی (مهدوی و جزایری، ۱۴۰۰: ۱۸-۲۱).

ماده ۲۹ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ سایر نیروهای مسلح را زمانی که مطابق قانون کل یا جزئی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول شده باشد، ضابط می‌نامد. آنچه از عمل مقنن در سال‌های اخیر برداشت می‌شود، احاله دادن از قانون به قانون دیگر و قوانین خاص است. مثلاً در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸، قانون‌گذار در رابطه با ضابطین خاص، مخاطب را به قوانین خاص ارجاع می‌دهد. این در حالی است که صراحت و شفافیت در قانون کیفری بسیار مهم است. هرچند در قانون جدید چند دسته از ضابطین خاص نام برده می‌شوند اما از ظاهر ماده برمی‌آید که با توجه به ذکر عبارت از قبیل، مقنن در حال ذکر مثال بوده و ضابطین را به‌طوری حصری نام برده است. البته در توجیه این امر می‌توان گفت، قوانین کیفری رو به سمت فنی شدن حرکت می‌کنند و این احاله دادن را می‌توان فهمید (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۴).

اعطای صلاحیت قانون‌گذاری به نهادهای اجرایی و اداری، در سیاست جنایی، ما را از حقوق دور می‌کند. هرچند که این امر از وقوع جرم پیشگیری کند مانند اینکه پلیس در مکان‌های مختلف دوربین نصب کند. درنهایت وضع قانون وظیفه قوه مقننه است. خصوصاً در حوزه کیفری که مسأله امنیت و آزادی است. بنابراین باید دقت نمود که با این اعطای صلاحیت وضع قانون، به بهانه ایجاد امنیت در جامعه، آزادی شهروندان را مختل ننمود (مصطفایی و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۵).

## ۳-۲- ضابطین تخصصی

مسأله و هدف موجود در تشکیل و وجود این عنوان، حفظ حقوق متهم است. قانون‌گذار در جهت این هدف اقدام به تشکیل پلیس خاص برای گروه‌هایی در جامعه می‌کند که احتیاج به مراقبت بیشتری داشته و به‌نوعی آسیب‌پذیرتر هستند. به‌این‌ترتیب ضابط ویژه زنان و اطفال و نوجوانان برای حفظ حقوق این افراد تشکیل شده است. در اسناد بین‌المللی به این نوع پلیس برمی‌خوریم، به‌طور مثال طبق بند ۱ ماده ۱۲ مقررات بیژینگ، مأمورانی که وظیفه دستگیری کودکان و جوانان بزهکار و پیشگیری از وقوع جرایم را دارند باید دوره آموزشی خاصی را پشت سر بگذارند. انجام این وظیفه در شهرهای بزرگ بر عهده پلیس متخصص جوانان است (Lazarus, 2023: 147). در قوانین کشور ایران نیز، ماده ۳۱ قانون آ.د.ک به پلیس اطفال و نوجوانان و ماده ۴۲ همین قانون نیز به ضابط آموزش‌دیده زن اشاره می‌کند. ضابطین تخصصی در حقیقت خود ضابطین عامی هستند که محدوده فعالیتشان نیز به همان ترتیب است اما برای جرایم خاص، تحت آموزش قرار گرفته‌اند. به‌این‌ترتیب اگر جرمی خارج از تخصص آن‌ها به وقوع بپیوندد نیز به‌عنوان ضابط عام صلاحیت رسیدگی به آن را دارند. وظیفه برگزاری دوره‌های خاص برای ضابطین بر عهده دادستان‌ها است (باجلان و احمدی، ۱۳۹۸: ۳۷).

## ۳-۳- مأموران حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی

در بخش مربوط به ضابطان خاص به این اشاره شد که جنگلبانی نیز از ضابطین خاص است. مأموران محیط‌زیست نیز تحت عنوان ضابطین خاص به شمار می‌آیند (موسوی، ۱۳۸۹: ۶۷). در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی، قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید، ماده نخست این قانون که به بحث حق به‌کارگیری سلاح می‌پردازد به‌طور دقیق به ضابط خاص قضایی محسوب شدن مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل بانی اشاره می‌کند.

## ۳-۱- جنگلبانی

بیش از هشتاد درصد عرصه کشور ایران، زیر پوشش عرصه‌های منابع طبیعی است که سرمایه‌ای بسیار باارزش و بستر توسعه پایدار هستند. حدود ۵۳۰۰ جنگلبان، در حال حاضر در عرصه‌های طبیعی مشغول انجام‌وظیفه هستند. تا زمان حکومت قاجار منابع طبیعی تجدیدشونده کشور موردتوجه دولت‌ها نبودند و هیچ‌گونه مدیریتی در این زمینه صورت نمی‌گرفت. در سال ۱۲۰۲ شمسی وزارت فواید عامه در زمان حکومت فتحعلی‌شاه تشکیل شد که نشان از توجه دولت به منابع طبیعی بود اما شکل‌گیری رسمی ادارات برای مدیریت منابع طبیعی سال‌ها بعد رخ داد. پس از اعلام مشروطیت در سال ۱۲۸۴ اداره شوسه و راه‌آهن و جنگل‌ها در وزارت فواید عامه تأسیس شد. در کابینه دوم در سال ۱۲۸۸ نیز وزارت طرق و شوارع و معادن و جنگل‌ها آغاز به کار کرد. به‌طورکلی می‌توان گفت که تا سال ۱۲۹۷ توجه خاصی به جنگل‌ها وجود نداشت و طی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۸۸ تعدادی از بازرگانان و شرکت‌های خارجی به شکل فزاینده‌ای شروع به بهره‌برداری از جنگل‌های ایران نموده بودند. در سال ۱۲۹۶ با تصویب هیأت‌وزیران شعبه جنگل‌ها در تشکیلات وزارت فواید عامه و تجارت و فلاحات تأسیس شد و بدین ترتیب هسته‌های اولیه تشکیلات جنگل شکل گرفت. در سال ۱۲۹۹ اداره‌ای هرچند ابتدایی در جنگل‌های شمال کشور تأسیس شد که وظیفه نقشه‌برداری از جنگل‌ها، تفکیک جنگل‌های خصوصی از دولتی، تعیین جنگل‌های بکر و صنعتی از جنگل‌های مخروبه و بوت‌زار را بر عهده داشت. مسیر جنگل‌داری و جنگلبانی در ایران پریچ‌وخم بود اما نهایتاً به سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری رسید. جنگلبانان زیر نظر سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور فعالیت می‌کنند. این سازمان از زیرمجموعه‌های وزارت جهاد کشاورزی است که وظیفه دفاع و حفظ منابع طبیعی ایران را بر عهده دارد (Faryadi, 2022: 354).

اهداف سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور، حفظ و حمایت، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه‌های طبیعی، اراضی مستحذته ساحلی، حفاظت و حمایت از آب‌وخاک کشور از طریق مدیریت علمی

بعد اجلاس جهانی محیطزیست در استکهلم در سال ۱۳۵۳ و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست، اختیارات قانونی جدیدتری به این سازمان اعطا شد و از نظر تشکیلاتی نیز با توجه به ضرورت‌های برنامه‌های رشد و توسعه تغییر یافت. اصلی‌ترین هدف سازمان حفاظت از محیطزیست تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی است. یعنی حفاظت از محیطزیست و تضمین آنکه بهره‌مندی صحیح و مستمر از آن، به نحوی انجام شود که ضمن حفظ تعادل مناسبات زیستی، موجبات توسعه پایدار و بهبود، رشد و اعتلای کیفی انسان‌ها فراهم شود. محیطبان شخصی است که وظیفه حفاظت و کنترل عرصه‌های طبیعی و حیات‌وحش کشور را بر عهده دارد. محیطبانان زیر نظر سازمان حفاظت محیطزیست بوده و کارمند دولتی هستند اما با توجه به شرایط کاری، وضعیتی شبیه به نیروهای انتظامی دارند. محیطبانان و جنگلبانان هر دو حافظ عرصه‌های طبیعی هستند و وظایف مشابهی دارند اما وظایف محیطبانی گسترده‌تر بوده و سازمان مافوق این دو نیرو با یکدیگر متفاوت است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

#### ۴- بررسی اختیارات محیطبانان و جنگلبانان

طبق ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست، محیطبانان در صورتی ضابط تلقی می‌شوند که در کلاس ویژه زیر نظر دادستان آموزش وظایف ضابطین دادگستری را دیده باشند. در این قانون ذکر شده است، چنانچه وظایف ضابط دادگستری را در کلاس ویژه زیر نظر دادستان تحصیل کرده باشند، از نظر اجرای این قانون و قانون شکار و صید ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. جنگلبانان بر اساس ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. طبق این ماده: «جنگلبانانی که به‌موجب حکم سازمان جنگل بانی امور کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌شوند جزء ضابطین دادگستری محسوب و تحت آموزش‌های دادستان محل انجام‌وظیفه خواهند کرد.» تبصره ۲ همچنین مقرر می‌دارد: «مأموران کشف و تعقیب جرایم که از طرف سازمان جنگلبانی منصوب می‌شوند، هنگام اجرای این قانون در صورتی که در کلاس مخصوص، وظایف ضابطین دادگستری را آموزش‌دیده باشند،

بر حوزه‌های آبخیز و رعایت اصول توسعه پایدار است. مطابق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، مأمورین جنگلبانی که توسط احکام سازمان جنگلبانی مأمور به کشف و تعقیب جرایم مذکور در قانون مذکور می‌شوند در ردیف ضابطین دادگستری بوده و باید تحت تعلیمات دادستان محل انجام‌وظیفه کنند. در این قانون نیز به مسأله فراگیری دانش به جهت ضابط محسوب شدن اشاره شده است و مطابق تبصره دوم همین ماده مأمورین کشف و تعقیب جرایم که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین می‌شوند، زمانی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص یاد گرفته باشند.

#### ۳-۲- محیطبانان

در سال ۱۳۳۵، نگرانی موجود در حفظ و نگهداری محیطزیست بیش از قبل قوت گرفت و دستگاهی مستقل به نام کانون شکار ایران تأسیس شد که هدف این کانون حفظ نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوط به آن بود. پس از تصویب قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید جایگزین کانون شکار ایران شد. این سازمان از وزیران کشاورزی، دارایی، جنگ و شش نفر از اشخاص باصلاحیت تشکیل شده بود. بر اساس ماده ۶ قانون شکار و صید، وظایف سازمان مذکور نسبت به کانون شکار افزایش یافت و از محدوده نظارت و اجرای مقررات ناظر بر شکار فراتر رفت و امور تحقیقاتی و مطالعاتی مربوط به حیات‌وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه آن‌ها و تعیین مناطقی به‌عنوان پارک وحش و موزه‌های جانورشناسی را نیز طرح نمود. در سال ۱۳۵۰ نام این سازمان به سازمان حفاظت محیطزیست و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به شورای عالی حفاظت محیطزیست تغییر یافت و امور زیست‌محیطی نظیر پیشگیری از اقدامات زیان‌بار برای تعادل و تناسب در محیطزیست به حوزه اختیارات این سازمان اضافه شد (لطیفیان و فخرداود، ۱۳۹۷: ۱۰۰).



ضابطین در انجام وظایف خود مبنی بر اعلام جرم به دادسرا دارای اختیاراتی هستند که مجموع این وظایف و اختیارات به منظور اطلاع به موقع به دادستان و حفظ علل و آثار ارتکاب آن بر عهده ضابط است و نحوه اجرای آن‌ها بر اساس این که جرم مشهود یا غیر مشهود باشد متفاوت است. محیط‌بانان و جنگلبانان در صورت دارا بودن شرایط ذیل ضابط محسوب می‌شوند و در صورت استثناء هر یک از آن‌ها ضابط محسوب نمی‌شوند و اختیارات و مسؤولیت‌های ضابط را ندارند.

- با توجه به مفاد ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، کارکنان این دو سازمان ضابط محسوب می‌شوند و مسؤولیت کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قوانین را بر عهده دارند. در واقع هر دو سازمان نیروی انسانی زیادی در اختیار دارند، همه آن‌ها را نمی‌توان ضابط نامید، فقط محیط‌بانان، محیط‌دار و جنگلبانان ضابط هستند و از اختیارات ضابطین برخوردارند؛ زیرا این گروه‌ها از نظر قانونی تنها گروهی هستند که مسؤول کشف و تعقیب جرایم در منطقه حفاظت‌شده خود است. ماده ۱ دستورالعمل خدمتی پاسگان محیط‌زیست، مصوب ۱۳۷۵، بیان می‌کند که پاسگان محیط‌زیست متشکل از یک ارشد محیط دار، افسر محیط دار، محیط دار، محیط‌بان، شکاربان (کمک محیط‌بان)، محیط‌بان راننده، اسلحه‌دار، کارشناس، کاردان تکنسین محیط‌زیست هستند که وظایف هر یک به‌طور جداگانه در این قانون مشخص شده است و تنها محیط‌بانان و محیط دار هستند که بر اساس این بخشنامه، مأمور رسیدگی و تعقیب جرایم است.

ماده ۹ دستورالعمل مذکور وظایف محیط‌بان را در بند ۴ این ماده برشمرده است: «انجام اقدامات برای کشف جرایم و دستگیری متخلفین بر اساس بخشنامه‌های صادره». همچنین بند ۳ ماده ۸ مقرر می‌دارد که «وظیفه محیط دار نظارت و اقدام در کشف جرایم و دستگیری متخلفان است». بنابراین، اگرچه در این که محیط‌بان در صورت احراز شرایط، می‌تواند ضابط محسوب شود، اختلافی وجود ندارد، اما تبصره ماده ۴ دستورالعمل به محیط‌بان راننده و ماده ۵ دستورالعمل به شکاربان یا کمک محیط‌بان اشاره دارد. در تبصره بند ۴ آمده

ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.» در واقع شرایط و احوال ارتکاب برخی جرایم از جمله جرایم ارتكابی در محیط‌زیست و جنگل به‌گونه‌ای است که معمولاً ضابطین عام در صحنه جرم حضور ندارند. به همین دلیل به منظور انجام اقدامات مقتضی جهت کشف جرم و جمع‌آوری آثار و دلایل آن قانون، مأموران محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها را ضابط شناخته است.

ضابطین دادگستری اختیارات و وظایف مهمی را بر عهده دارند که اجرای صحیح آن می‌تواند در پیشگیری و کشف جرم و حفظ علل و آثار آن و دسترسی مجرم بسیار مؤثر باشد و مقامات قضایی می‌توانند بر نحوه انجام وظایف آن‌ها نظارت کند و دستورات لازم را برای راهنمایی صادر می‌کند و ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین را تحت نظارت و آموزش مقام قضایی قرار داده است.

با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال ۱۳۸۱ و تشکیل مجدد دادسراها در کشور، بند ب ماده ۳ این قانون اعلام کرد: «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از نظر وظایفی که بر عهده دارند بر عهده دادستان است». در مقررات کیفری ایران، ضابط دادگستری، هم زیر نظر مقامات قوه قضائیه (مانند قضات، دادستان، بازپرسان، دادیاران و ...) و هم زیر نظر دادستان است. برای جمع این دو حکم گفته شده است؛ نظارت دادستانی به معنای نظارت کلی و عام بر انجام وظیفه ضابطین در جلوگیری از وقوع جرم با انجام گشت‌ها، کشف جرایم و اطلاع به موقع به دادستان، گفته می‌شود. اما هدف از نظارت مقام قضایی در ماده ۱۵، نظارت بر اجرای دستورالعمل مقام قضایی در تحقیقات و بازجویی در برخی موارد خاص است. در ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که ضابط دادگستری موظف به اجرای دستورات مقام قضایی است. بدیهی است که این تکلیف به معنای لزوم اجرای دستورات قانونی مقام قضایی است، زیرا در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی آمده است که مأموران و ضابطین نمی‌توانند دستورات خلاف قانون مافوق خود را اجرا کنند و در صورت انجام، مسؤولیت کیفری دارند (خالقی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

از جنگل‌ها مأمورانی ضابط هستند که برای انجام وظایف ضابطین دادگستری زیر نظر دادستان آموزش ببینند. پس باید توجه داشت که جنگلبان و محیطبانان به محض استخدام و کسب عنوان محیطبان و جنگلبان ضابط محسوب نمی‌شود. اما طبق مواد استنادی در صورتی که آموزش‌های لازم را زیر نظر دادستان ببینند ضابط محسوب می‌شوند. در ماده ۱۶ این دستورالعمل آمده است: «افرادی که دوره ضابط دادگستری را گذرانده‌اند و کارت ضابط دادگستری را دریافت کرده‌اند باید علامت ضابط دادگستری را روی بازوی راست خود داشته باشند». پس محیطبانان و جنگلبانان می‌بایست دوره‌های آموزشی مذکور را بگذرانند و کارت ضابط دادگستری را دریافت کنند تا ضابط محسوب شوند، در غیر این صورت گزارشی که به مراجع قضایی ارائه می‌دهند. فقط ارزش شاهد واحد را دارد. تصریح می‌کند.

#### ۵- درگیری ضابطین و محیطبانان در انجام جرایم زیست‌محیطی

دو نکته در بحث درگیری ضابط با متخلفان وجود دارد. نکته اول این است که متخلفان نباید از دستورات مأموران دولت سرپیچی کنند. بر اساس قانون مجازات اسلامی، هرگونه تعرض یا مقاومتی که آگاهانه علیه مأموران دولت در انجام وظایف محوله صورت گیرد، ترمذ به حساب می‌آید و مجازات آن حبس است و اگر ترمذ مسلحانه باشد، حبس نیز افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه محیطبانان از مأموران دولتی محسوب می‌شوند، در صورت مقاومت متخلفان در اجرای دستورات قانونی محیطبانان ترمذ کنند، مرتکب جرم ترمذ از دستور می‌شوند و مجازات حبس برای آن‌ها صادر می‌شود (رجبی، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

نکته دوم بحث دفاع مشروع است که یکی از عوامل برخورد با جرم است، یعنی مأموری که در حین انجام وظیفه و در چارچوب قوانین مصوب کشور و در تعارض با عاملان، اگر مرتکب قتل یا جراحت شود، نباید به مجازات نفس یا عضو محکوم شود. ضمن اینکه قضات محترم به بحث دفاع مشروع توجه زیادی ندارند و لذا سازمان محترم محیطزیست باید هر چه سریع‌تر لایحه تکمیلی حفاظت از محیطزیست را

است: «محیطبان راننده فردی است که علاوه بر انجام وظایف محیطبان، مسؤولیت حفاظت و نگهداری وسیله نقلیه (خودرو- قایق) را نیز بر عهده دارد». بر اساس ماده ۵ «شکاربان کسی است که در اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفظ و بهسازی محیطزیست با محیطبان همکاری می‌کند». سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا این دو گروه نیز جزو ضابط محسوب می‌شوند؟ از آنجایی که در تبصره ماده ۴ بیان شده است که محیطبانان راننده وظایف محیطبان (کشف و تعقیب جرایم) را دارند، به نظر می‌رسد محیطبان راننده نیز ضابط محسوب می‌شوند. علاوه بر این در ماده ۱۰ این دستورالعمل مقرر شده است که محیطبان راننده دارای وظایف قانونی محیطبان است و در ماده ۱۱ دستورالعمل نیز وظایف شکاربان (کمک محیطبان) ذکر شده است. طبق این ماده همان‌طور که از نام کمک محیطبان مشخص است وظیفه او بیشتر همکاری و کمک است. در بند ۳ این ماده آمده «همکاری در زمینه کشف جرایم و دستگیری متخلفین بر اساس دستورالعمل‌های صادره». بنابراین به نظر می‌رسد که کمک محیطبان نیز ضابط محسوب می‌شود چراکه کمک محیطبان نیز اولاً طبق ماده ۵ دستورالعمل فردی است که در اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفاظت و بهسازی محیطزیست با محیطبان همکاری می‌کند و ثانیاً طبق بند ۳ ماده ۱۱ یکی از وظایف آن همکاری در زمینه کشف و دستگیری است. بنابراین خدمات او با محیطبان فرقی ندارد و در واقع محیطبان محسوب می‌شود و اگر آموزش‌های لازم را زیر نظر دادستان ببیند ضابط است و در حین انجام وظایف دارای اختیارات و وظایف ذکر شده برای این ضابط دادگستری است.

- محیطبانان و جنگلبانان باید در کلاس‌های ویژه زیر نظر دادستان آموزش‌های لازم را ببینند. بر اساس بند ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و آموزش مراجع قضایی در کشف و رسیدگی مقدماتی جرایم، حفظ آثار و علل وقوع جرم و پیشگیری از اختفا و فرار و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند». همچنین ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست و ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری

**تشکر و قدردانی:** از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.

- ابراهیمی، ابوالقاسم؛ حسنی، علیرضا و رحمانی ثانی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «مروری بر قوانین حقوقی حمایتی از محیطبانان، حلقه مفقود شده از حافظان بی‌حفاظ محیطزیست». *انسان و محیطزیست*، ۱۵(۲): ۱۲۳-۱۳۲.

- باجلان، احمد و احمدی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸). «بررسی حجیت اقرار نزد دادگاه صالحه و ضابطین عام قضایی». *مطالعات فقهی و فلسفی*، ۴۰: ۱-۱۳.

- پاکزاد، بتول؛ آقابابایی بخشایش، علی؛ مهدوی ثابت، محمدعلی و رحمدل، منصور (۱۳۹۹). «جبران خسارت‌های ناشی از بازداشت افراد بی‌تقصیر (با تأکید بر نقش و جایگاه ضابطین دادگستری)». *پژوهش‌های دانش انتظامی زمستان*، ۸۹: ۲۰۱-۲۲۶.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- حبیبی، مهناز (۱۴۰۰). «جایگاه حقوقی ضابطین دادگستری انگلیس در حفظ حقوق شهروندی با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران». *قانون یار*، ۱۸: ۱۷۷-۱۹۶.

- خالقی، علی (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.

- خالقی، علی (۱۳۸۹). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ هشتم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

با چند نفر از اساتید حقوق به مجلس تقدیم کند. بازداشت افراد فقط توسط مراجع قضایی و آن‌هم در چارچوب موازین قانونی و در صلاحیت آن‌ها امکان‌پذیر است و هیچ مرجع دیگری حق سلب آزادی افراد را نخواهد داشت، این یک قاعده و اصل غیرقابل تردید است و دلیل برخلاف آن لازم است و در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری به نیروی انتظامی اجازه داده شده است که متهم را حداکثر به مدت ۸۲ ساعت جهت تکمیل تحقیقات بازداشت کند و بیش از این مدت باید با دستور مقامات قضایی باشد حتی مقامات قضایی بدون دلیل و عدم رعایت قانون حق دستگیری کسی را نمی‌دهد. قرار بازداشت باید طبق قانون و در صورت وجود دلیل کافی صادر شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که این اختیار فقط به فرماندهان کلانتری‌ها تفویض شده و تعمیم آن به سایر ضابطین از جمله محیطبانان مغایر با قانون و اصل آزادی است.

#### نتیجه‌گیری

از نظر قانون محیطبانان و جنگلبانان در شرایط ضابط دادگستری است. بازداشت افراد فقط توسط مراجع قضایی و آن‌هم در چارچوب موازین قانونی و در صلاحیت آن‌ها امکان‌پذیر است و هیچ مرجع دیگری حق سلب آزادی افراد را نخواهد داشت، این یک قاعده غیرقابل تردید است این اختیار فقط به فرماندهان کلانتری‌ها تفویض شده و تعمیم آن به سایر ضابطین از جمله محیطبانان مغایر با قانون و اصل آزادی است. دستگیری افراد از مراجع غیر قضایی ممنوع است و این یک اصل کلی است که برخلاف آن قانون نیاز به تبیین دارد و قانون این اختیار را فقط به فرماندهان کلانتری داده است و باید به این مقدار قانونی باید اکتفا کرد.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

- Faryadi, M (2022). *Soil Protection Governance in Iran*. London: Springer.

- Lazarus, R (2023). *The Making of Environmental Law*. Chicago: University of Chicago Press.

- رجبی، عبدالله (۱۳۹۸). بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی. به کوشش احمدعلی محسن‌زاده، حقوق محیط‌زیست، نظریه‌ها و رویه، تهران: انتشارات خرسندی.

- گروه صلح حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۹). حقوق زیست‌محیطی بشر. تهران: نشر دادگستر.

- لطفیان، سعیده و نصری فخرداد، صدیقه (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری محیط‌زیست در ایران: چالش‌ها و راه‌حل‌ها». فصلنامه سیاست، ۴۸: ۹۷-۱۲۱.

- مصطفایی، نادر و عباس‌زاده، علی (۱۳۹۷). «بررسی و نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با ضابطین و اقدامات آن‌ها». فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، ۷(۲): ۹-۲۷.

- مهدوی، سحر و جزایری فارسانی، سیدعباس (۱۴۰۰). «تناقضات و تعارضات اصل برائت در اجرای قوانین کیفری ایران». مطالعات حقوقی، ۱۴: ۱۷-۲۶.

- موسوی، فضل‌الله (۱۳۸۹). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. تهران: انتشارت میزان.

- هادی‌پور، محمدحسن؛ ملائی کندلوس، فخر‌الله و گلیجانی مقدم، حامد (۱۴۰۱). «مسؤولیت مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری». مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸(۲): ۱-۸.

- مهابادی، علی (۱۳۸۱). «ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران». فصلنامه الهیات و حقوق، ۶: ۱۰۵-۱۲۲.

#### ب. منابع انگلیسی

- Anaraki, N (2020). *Prison in Iran: A Known Unknown*. London: Springer.

- Cheng, Ch (2017). *Collected Courses of the Xiamen Academy of International Law*. Boston: Brill.